

## درباره روزنه‌گشایی انتخاباتی

چراییانه تحلیلی ۱۱۰ کنشگر سیاسی اجتماعی مهم است؟



می‌گویند یک نفر بازی از شیشه بر استر نهاده بود و به شهر می‌برد. به دروازه شهر که رسید، نگهبان دروازه، با چوبی که در دست داشت، بر خورچین استر زد و پرسید، چه بار داری؟ آن بینوا هم به‌نال گفت: «اگر یک چوب دیگر بزنی، هیچی». این داستان بی‌شباهت به وضع امروز کشور و مردمان مانیست. بگذارید ماجرابری را بگویم. برخی از دوستان و آشنایانم و یکی دوتن از اقوام سببی‌ام، پیش از انقلاب چریک بوده‌اند، زندگی مخفی داشتند و کیسول سیانور. خود را برای مرگ آماده کرده بودند و تا پای مرگ هم رفته‌اند؛ معروف‌ترین‌شان دوست‌مهربانم جناب «لطفاً لاله میثمی» است که شرح کوتاهی از آنچه بر او گذشته را قبلاً به مناسبت بزرگداشتی که همین اخیراً برای او برپا شد، بر یادداشتی گفتم.ام. یکی دیگر که حتماً بسیاری از آنانی که این متن را می‌خوانند، می‌شناسندش: «هادی خانیکی» است. اولین بار از او بود که شنیدم «در دوران پهلوی، عمر زندگی چریکی حداکثر دوسال بود که این اواخر به شش ماه رسید» و هر کس وارد این عرصه می‌شد، می‌دانست که مرگ و کشته شدن، آخر این راه است. خوب به‌خاطر دارم که چریک بودن آن اواخر، در جامعه ما با عبارت خرابکار در بین مردم معنا می‌شد، ولی بعد از محاکمه «خسرو گلسرخی» بود که چریک بودن دیگر نهنتنها با عبارت منفی خرابکار در ذهن جامعه همراه نبود که ارج و قرب هم پیدا کرد و مردم به این باور رسیدند که یک چریک برای زندگی بهتر آنان در آینده، امروز از جان خود می‌گذرد. برای اینکه تحول ذهنی جامعه را بفهمیم، کافی است مقایسه کنیم که از «واقعۀ سیاهکل» در سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲، یعنی فقط به فاصله سه سال، چقدر در نگرش مردم تفاوت ایجاد شد. از سیاهکلی که مردم با چریک‌ها درگیر شدند، تا سال ۱۳۵۲ که خود به یاد دارم و احتمالاً بسیاری از همسالان من هم در خاطر دارند که گلسرخی با آن دفاعیه پیمانماندنی اش در دادگاه، تبدیل به یک اسطوره در جامعه ایران شده بود.

در فرهنگ سیاسی، کنار کلمه چریک، کلمه «آنارشییست» را هم داریم که شاید معادلش همان خرابکار باشد که تا سال ۱۳۵۲ در افواه و در بین ایرانیان رایج بود. وجه اشتراک جنبش آنارشییستی و جنبش چریکی در استفاده از روش‌های قهرآمیز و خشن برای رسیدن به اهداف است که جنبش اول منموم و خرابکارانه و جنبش دوم عدالت‌جو و شهادت‌طلبانه معنا می‌شود. در هر صورت آنچه این دو کنش را دوگانه می‌سازد، آن است که جامعه، آنارشییسم را به ضرر آرمش و رفا خود تلقی می‌کند و جنبش چریکی را، با وجودی که در روش مانند جنبش آنارشییستی است، ولی چون آن را تلاش از جان گذشتگان برای زندگی بهتر مردم قلمداد می‌کنند، نگاه مثبتی به آن دارند و همین هم شرط ماجراست. این شرط که هدف یک فعال اجتماعی، حتی در رادیکال‌ترین وجه، باید تلاش در جهت بهبود زندگی مردم باشد تا توجیه‌پذیر شود.

با انقلاب ۵۷، جامعه از دوره مبارزات چریکی و قهرآمیز گذشت و حکومت و مردم پذیرفتند که از روش‌های مسالمت‌آمیز برای کنش سیاسی بهره ببرند و هر چند این فرآیند فراز و فرودهایی داشته، ولی همچنان آن نوع کنش‌هایی که پیش از انقلاب و به‌خصوص در دهه ۴۰ و ۵۰ به عنوان کنش سیاسی شناخته می‌شد، امروز وجهی از مقبولیت

### ادامه از صفحه اول

نه اینکه قبلاً فیلم‌های ارگانی وجود نداشت و نهادهای دولتی و حکومتی وارد عرصه فیلم‌سازی نمی‌شدند؛ قبلاً هم شاهد حضور ارگانی‌ها در حوزه فیلم و سینما بودیم. اما نه به شدت این سال‌ها. در سال‌های قبل اگر موضوع فیلم مشارکتی مطرح می‌شد معنی‌اش این بود که به‌عنوان مثال وزارت ارشاد، فزایی، حوزه هنری و شهرداری از توان بخش خصوصی هم در ساخت فیلم استفاده می‌کردند. یعنی پول و امکانات این نهادها در اختیار فیلم‌سازان بخش خصوصی قرار می‌گرفت اما امسال در سخنان مدیران ارشاد مشاهده کردیم که تعریف مشارکت در ذهن آنها متفاوت از آن چیزی است که درسال‌های نهم‌چندان دور شاهد بودیم. مشارکت در نگاه آنها یعنی استفاده از توان و امکانات نهادهای انقلابی. همین مسئله است که حضور فیلم‌های ارگانی را پررنگ‌تر کرده است.

یکی از آسیب‌های چنین سینمایی، وابسته شدن به نهادهای انقلابی و دور شدن از جامعه است. در نتیجه سینما که باید زبان فرهنگ و تاریخ مردم باشد و با جامعه ارتباط بگیرد، رفته‌رفته دچار گسست می‌شود. مگر می‌شود از ناآرامی‌ها و اعتراض‌های سال گذشته حتی یک فیلم هم نداشتۀ باشیم؟ مگر می‌شود از انبوه مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی پس از کشور را احاطه کرده‌است. تولید جدی نداشته باشیم؟ چطور می‌شود درباره رات، اختلاس، مدیریت‌های ناکارآمد و افراد نالایق یک فیلم ساخته نشود؟ چرا یک فیلم خوش‌ساخت و جدی که صدای مردم را نمایندگی کند، ساخته نشده است. سینما یکی از راه‌های رشد و اصلاح جامعه است. یک فیلم تأثیرگذار می‌تواند آگاهی مردم را نسبت به موضوع جاری جامعه بالا ببرد و اساساً در ساخت اثرگذاری هیچ چیزی نمی‌تواند جای سینما را بگیرد. اما متأسفانه نگاه به سینما به‌خصوص پس از ناآرامی‌های سال گذشته آمرانه شده است. یک نگاه دستوری و از بالا به پایین را در حوزه سینما شاهد هستیم. اضافه کنید حذف و خاندنشینی بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده و مردمی حوزه سینما و همچنین مهاجرت‌های فراوان سینمایی‌ها که این عرصه را از نخبه‌هایش خالی کرده است.

اگر از خود اهالی سینما و بانجر به‌های این صنعت سوال کنید که وضعیت سینمای ایران را چگونه ارزیابی می‌کنند و مهمترین مشکلات

ندارد، اما آن معنا که یک کنشگر سیاسی باید با هدف بهبود وضعیت زندگی مردم وارد عرصه‌فعالیت سیاسی و سیاست‌ورزی شود، همچنان به‌جای خود باقی است و طبیعی است که یک سیاست‌ورز، برای آنکه بتواند برنامه‌های خود را برای بهبود زندگی مردم اجرایی کند، لازم است که قدرت را به‌دست گیرد و در یک نظام انتخاباتی، این فرآیند از صندوق رای بیرون می‌آید. مشکل اما الان این است که آن فرآیند انتخاباتی که کنشگران بتوانند به واسطه آن قدرت را به‌دست بگیرند تا وعده بهبود زندگی مردم را عملیاتی کنند، با دشواری‌هایی همراه شده، اما با وجود این دشواری‌ها چه باید کرد و راه چیست؟ دولت سیزدهم و در رأس آن جناب آقای رئیسی، مثل هر کس دیگر که قصد به‌دست گرفتن سکان اداره کشور را دارد، در زمان انتخابات وعده‌هایی داد که حالا در آستانه پایان سومین سال، با وجود تکرار مکرر حرکت قطار پیشرفت و حتی حرکت ریل این قطار، نهنتها در واقعیت امر، خبری از تحقق آن وعده‌ها نیست، بلکه به این گفته سخنگوی دولت که «اگر این بودجه تصویب شود اثرش در سال بعد می‌شود کسری بودجه و تورم»، از حالا دهل تورم سال آینده رزده‌اند و با این حساب، پس از گذشت سه سال از یکدست شدن حاکمیت، که قرار بود با این یکدستی، هم تورم نصف و سپس تک‌رقمی شود، گویی سخنگوی دولت دارد اذهان را برای تورم سال آینده آماده می‌کند.

خب حالا چه کنیم؟ آن‌طور که به نظر می‌رسد، با همه آن وعده‌ها که چاره کار مملکت در یکدست شدن آن است، طبق گفته سخنگوی محترم، خبری از بهبود اوضاع با این قطار و این ریل نیست. از طرفی با آن ماجرابری که در موضوع نهادهای دامی و بعد چای دیش گذشت، آن ادعاهای مبارزه با فساد راه هم که نه خبری در مجلس به‌عنوان خانه ملت شد و نه گزارشی از سوی دولت منتشر شد و گویا قرار نیست خبری هم بشود. مجلس هم که داستانش با ماجرای «طرح صیانت» و «لایحه عفاف و حجاب» و آن داستان «اصل ۸۵»، گفتن ندارد؛ این از دولت و مجلس. طرف دیگر هم آنهایی هستند که راه‌حل‌شان عدم شرکت در انتخابات است، ولی حتی اگر بگویم پنج سال و از انتخابات مجلس یازدهم، که از همان سه سال پیش و انتخابات سال ۱۴۰۱، آیا حتی یک‌بار شنیده‌اید در این ماجرای دعوت به تحریم انتخابات، یک نفر از این دعوت‌کنندگان بگوید که مردم بعد از روز انتخابات، با این حاکمیت یکدستی که از اول هم معلوم بود چگونه کشور را اداره خواهد کرد، چگونه باید زندگی کنند؟ ماجرا فقط یک چیز است و باقی همه حاشیه است و آن هم اینکه چه خوش‌مان بیاید یا نیاید، بعد از روز انتخابات، مردم باید زندگی کنند و این موضوعی است که انگار نه‌مسئله دعوت‌کنندگان به تحریم انتخابات است و نه مسئله تشویق‌کنندگان حرکت ریل قطار پیشرفت و این دقیقاً همان چیزی است که در «بیانیه تحلیلی ۱۱۰ کنشگر سیاسی اجتماعی برای انتخابات ۱۴۰۲» مدنظر بوده. اینکه موضوع اصلی، زندگی مردم است، همان زندگی‌ای که روز بعد از انتخابات، باز مردم دچار آن هستند و متأسفانه انگار، این زندگی نه مسئله دولت است، نه مجلس و نه دعوت‌کنندگان به تحریم انتخابات. پرشس اما یک چیز است، مردم قرار است روز بعد از انتخابات قطور زندگی کنند؟ و آیا این زندگی مردم، چه برای دولتی که سخنگوش از حالا وعده تورم سال آینده را می‌دهد و چه برای آنها که می‌گویند رای ندهید، اهمیتی دارد؟ برای همین است که می‌گویم بیانیه تحلیلی ۱۱۰ کنشگر سیاسی اجتماعی مهم است، چون آنچه در این بیانیه مسئله اصلی است، یافتن چاره‌ای برای زندگی واقعی مردم است و نه رویاپردازی بی‌سرانجام و نه حرکت ریل قطار.

## تیتریک

HEADLINE ONE

## ۲

# ایران هراسی علیه توريسم؟

## بررسی اظهارات دیروز رئیس‌جمهور درباره گردشگری

برخی رسانه‌ها ساخته شده را تغییر داده و به تصاویر صحیح و دقیق تغییر دهد. اینکه برخی بهانه می‌آورند که اگر بخوایم گردشگری را توسعه بدهیم، پس باید در اصول و مبانی تجدیدنظر کنیم، کاملاً نادرست است. امروز جاذبه‌های بسیاری در ایران وجود دارد که با حفظ همین اصول و مبانی، گردشگران بسیاری را به خود جذب می‌کنند.» او افزود: «اگر در اقتصاد خواهیم تک‌محصولی نیاشیم و تنها به نفت اتکاء نکنیم، باید اقتصاد گردشگری را فعال کنیم. بسیاری از گردشگران مایل هستند از ایران دیدن کنند، اما دشمنان با ایران هراسی می‌خواهند مردم دنیا را از آمدن به ایران منصرف کنند. وظیفه مسئولان و مدیران در حوزه دولت این است که حضور گردشگران را تسهیل کنند و یکی از گام‌هایی که در این مسیر برداشته شده لغوروادید بوده است. تسهیل رفت‌وآمد، اسکان در جای مناسب و تغذیه در توسعه گردشگری بسیار اهمیت دارد؛ کسی که به ایران سفر می‌کند، باید از لحظه ورود تا لحظه خروج احساس آرامش کند. احساس آرامش گردشگران می‌تواند تصاویر نادرستی که از ایران در برخی رسانه‌ها ساخته شده را تغییر داده و به تصاویر صحیح و دقیق تغییر دهد.»

### ▼ لغو روادید ایران برای بیش از ۵۰ کشور جهان

از سوی دیگر وزیر میراث فرهنگی و گردشگری در پروژه تعریف از خود اعلام کرد که کارنامه دولت سیزدهم در حوزه گردشگری موفق است. عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از ابراهیم رئیسی می‌خواهد: «تمهیداتی انجام شود تا شهروندان بیش از ۵۰ درصد کشورهای دنیا بتوانند بدون روادید به ایران سفر کنند و از جاذبه‌های گردشگری کشور بازدید کنند. مادرهای ایران را به روی دنیا باز کرده‌ایم و به‌رغم تبلیغات منفی معاندان این شرایط فراهم شده است.» او تأکید کرد: «شاید مهم‌ترین و اولین کاری که در این دولت انجام شد از سرگیری صدور روادید گردشگری بود که از زمان دوران کرونا حدود ۲۰ ماه متوقف شده بود و نگاه‌های انقباضی و محافظه‌کارانه اجازه نمی‌داد روادید صادر شود، اما نظر کارشناسی مادر دولت مؤثر واقع شد و صدور ویزا را از سر گرفتند. تصمیم تاریخی دیگر لغویک‌طرفه روادید بود که با درایت رئیس‌جمهور اتفاق افتاد و با تمهیدات وزارت امور خارجه از ۱۵ بهمن‌ماه ۲۸ کشور به اجرا گذاشته شده است.» ضرغامی افزود: «در این سفرها به اقصی نقاط ایران بخشی از پروژه‌های بزرگ‌مقیاس را حل کردیم و ۵۰ پروژه بزرگ‌مقیاس دیگر نیز رفع مانع شده است و پروژه‌های با ارزش ۴۰۰ همت سرمایه در حال اجراست که بیشتر آنها در حال ساخت و ساز هستند و تا پایان دولت سیزدهم بیشتر از ۱۰۰ همت این پروژه‌ها افتتاح می‌شود که بیشتر آنها هتل ۵ ستاره است.» ایران هراسی که رئیس دولت سیزدهم به آن اشاره می‌کند موضوع تازه‌ای نیست. بیش از ۴ دهه است که برخی از کشورهای تبلیغات وسیعی در مورد «ایران هراسی» انجام داده‌اند. اما موضوع مهم این است که برخی از تندروی‌های سیاسی و مواضع آتشین مزاج برخی از دولتمردان و حتی افرادی که مقامی ندارند اما تریبون‌های زیادی در اختیار دارند نیز به این «ایران هراسی» دامن زده است.

## شورای نگهبان به کمک دولت آمد

## رد تغییرات مجلس در لایحه بودجه ۱۴۰۳

امیدواریم در مراحل پایانی برسی بودجه‌سال آینده، تجدیدنظر نسبت به تحمیل ناترازی‌ها رقم بخورد.» بهادری جهرمی، سخنگوی دولت در این باره صراحتاً اظهار داشت: «حداقل ۴۰۰ هزار میلیارد تومان ناترازی به بودجه ۱۴۰۳ تحمیل شده است.» در واکنش به این اظهارنظر، سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی گفت: «شاکله بودجه سال ۱۴۰۳ تغییر نکرده و به درستی حفظ شده است.»

### ▼ نظر شورای نگهبان در باره ر دصلاحیت‌ها قطعی است

سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری روز گذشته درباره انتخابات و رصلاحیت‌ها و برخی از حواشی مطرح‌شده درباره دلایل رصلاحیت‌ها اظهاراتی داشت که مهمترین آن قطعی شدن نظر این نهاد درباره نامزدهای انتخاباتی است. طحان‌نظیف درباره انتخابات خبرگان با بیان اینکه نظر شورای نگهبان درباره نامزدهای انتخابات خبرگان قطعی است، اظهار کرد: «نظر شورای نگهبان درباره داوطلبان انتخابات مجلس خبرگان رهبری که در روز ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ اعلام شد، نظر قطعی و نهایی است. برخی داوطلبان اعتراض کردند و اعتراضات آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت؛ لذا بعد از آن تغییری صورت نمی‌گیرد.» او درباره رصلاحیت برخی نمایندگان انتخابات مجلس نیز گفت: «کسانی که در مراحل قبل صلاحیت‌شان از سوی هیئت‌های اجرایی یا نظرات و یا هر دو تأیید نشده بود و در این مرحله نیز صلاحیت‌شان از سوی شورای نگهبان تأیید نشد، نظر شورای نگهبان نهایی و قطعی است. شورای نگهبان در یک فرصت یک‌ماهه به بررسی اعتراضات و شکایات آن‌ها پرداخت که نتیجه‌نهایی در روز ۱۹ بهمن اعلام شد. تنها کسانی که در مراحل قبل تأییدصلاحیت شده بودند اما در این مرحله براساس اطلاعات، اسناد و گزارش‌های که دریافت شد، صلاحیت‌شان مورد تأیید قرار نگرفت، فرصت اعتراض دارند که تعداد آن‌ها نیز زیاد نیست. این افراد سه روز مهلت اعتراض دارند که امروز فرصت نهایی است. نظر شورای نگهبان نسبت به این اعتراض‌ها نیز اعلام خواهد شد.» طحان‌نظیف درباره انتخابات مجلس و برخی از ادعاهای مطرح‌شده از سوی کاندیداهای انتخابات نیز مواردی بیان کرد. به گفته سخنگوی

**گروه خبر:** روز گذشته سخنگوی شورای نگهبان ایرادات بخش احکام لایحه بودجه ۱۴۰۳ را اعلام کرد که مهمترین آن مواردی بود که نمایندگان در تبصره‌های بودجه اعمال کرده بودند تا به گفته وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه، ۴۰۰ همت (هزار میلیارد تومان) به دولت بازمالی وارد شود. البته طحان‌نظیف هوشمندانه عمل کرده و در شرطی گفت: «در صورت تأمین منابع، ایرادی نداریم.» این شرط موجب شده که در جدال دولت و مجلس به‌طور مشخص و واضح سمت و سویی را اختیار نکند. با این حال از آنجا که دولت سیزدهم پیش از ارسال لایحه بودجه سال آینده، ادعا کرده بود که در تلاش بوده تا لایحه بودجه سال آینده با کمترین ناترازی همراه باشد، با وجود مخالفت‌ها از سوی مسئولان دولتی، می‌توان گفت که مجلس ناچار است که از تصمیمات خود عقب‌نشینی کند. دولت ادعا دارد که مجلس با اعمال نظر در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نهنتها موجب ناترازی بودجه شده بلکه برخلاف اصل ۵۲ قانون اساسی کلیت و شاکله لایحه

ارسالی را تغییر داده است. این ادعا اگرچه از سوی مجلس بارها رد شده است اما همچنان به یک چالش اساسی میان دو قوه تبدیل شده است. هر چند این جدال موجب شد تا عبدالنص همتی، رئیس کل اسبق بانک مرکزی و کاندید نشان دهد و در شبکه ایکس‌نویس: «مسئولان دولتی مرتب تکرار می‌کنند که مجلس بیش از ۴۰۰ همت کسری بار بودجه کرده است. انگار خود لایحه دولت تراز بوده! مگر نگفتید، یکدست و هماهنگ شده‌اید؟ اگر از این حرف‌ها قصد توجیه تورم بالای سال آینده را ندراند، خُب بنشینید و با هم معضل را حل کنید. چرا مرتب به جامعه سیگنال انتظارات تورمی می‌دهید؟» نمایندگان مجلس یازدهم در زمان بررسی بودجه خواهان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان شده بودند. همچنین آنها در زمان بررسی تبصره‌های ۸، ۱۳، ۱۵ و ۴۰۰ حدود ۴۰۰ همت به بودجه اضافه کرده بودند؛ اقدامی که از دید رئیس سازمان برنامه‌بودجه موجب ناترازی بودجه سال آینده می‌شود. هر چند درباره رقم اضافه‌شده به بودجه میان دولت و مجلس اختلاف‌نظر وجود دارد و نمایندگان معتقدند که نهایت ۱۰۰ همت به‌بودجه اضافه شده است و شاکله بودجه نیز تغییر نیافته است. سیداحسان خاندن‌وزی، وزیر اقتصاد در این باره با بیان اینکه تلاش دولت در بودجه‌ریزی این بوده که کمترین مقدار ناترازی را به کشور تحمیل کند، اعلام کرد: «در لایحه‌پیشنهادی دولت برای بودجه سال آینده نیز تلاش کردیم تا درآمدها به صورت واقعی پیش‌بینی شود. اما شاهد بودیم که برخی تغییرات در مجلس شورای اسلامی رقم خورد که این اقدام هدف‌گذاری‌های مهم مانند مهار تورم را با ایهام مواجه می‌کند. هر چند

## گزارش یک